بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه: پوریزدی، رحمت، ۱۳۶۵- | عنوان و نام پدیدآور: پیاده تا کربلا: آداب و فضائل زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام / گردآوری رحمت پوریزدی؛ ویراستار علی آقامحمدی.
مشخصات نشر: قم، قدس، ۱۳۹۹. | مشخصات ظاهری: ۶۴ص.؛۱۴/۵*۲۱/۵س‌م.
شابک: ۹-۳۷۹۰۴۶-۶۰۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیپا | یادداشت: کتابنامه:ص.۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس. | موضوع: حسین بن علی(ع)؛ امام سوم، ۴-۶۱ق—زیارت‌نامه‌ها | حسین بن علی(ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق— احادیث زیارت و زائران | زیارت و زائران—آداب و رسوم | زیارت و زائران-- احادیث
Ziyarat-namah:Hosayn ibn Ali, Imam III, 625—680 | Hosayn ibn Ali, Imam III, 625—680--Hadiths | pilgrims and pilgrimages | pilgrims and pilgrimages—Manners and customs | pilgrims and pilgrimages-Hadiths
رده‌بندی کنگره: BP۲۶۲ | رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶ | شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۹۰۲۰

انتشارات قدس

پیاده تا کربلا

آداب و فضائل زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام

گردآوری: رحمت پوریزدی

ویراستار: علی آقامحمدی
طراح جلد و صفحه‌آرا: نجف نجفی

قطع: رقعی / ۶۴ صفحه
نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۹
چاپ: کمال‌الملک / **تیراژ:** ۱۰۰۰ نسخه
ناشر: انتشارات قدس
قم، خیابان شهدا، کوچه ممتاز / تلفکس: ۳۷۷۴۴۰۵۳ - ۰۲۵

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص می‌باشد.

شابک: ۹-۳۷۹۰۴۶-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

پیاده تا کربلا

آداب و فضائل زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام

| گردآوری: رحمت پوریزدی |

تقدیم به:

عاشقان با بصیرت، هشیار و هوشیار حسین بن علی علیهما السلام

وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ وَالْعَمَى وَالشَّكِّ وَالِارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى؛

«و خون دلش را بخشید تا بندگان تو از گمراهی و نادانی و تاریکی و شك و شبهه نجات داده و به طرف هدایت و رهایی از هلاکت بکشاند».[1]

---

۱. زیارت اربعین، *کامل الزیارات*، ص۲۲۸.

فهرست مطالب

بصیرت، هشیار و هوشیاری | ۹
فضیلت زیارت سید الشهداء علیه‌السلام | ۱۷
سخنانی از امام حسین علیه‌السلام | ۳۹
احکام زیارت | ۵۳
کتابنامه | ۶۳

دیباچه

این سطرها و این صفحات، فقط عرض ارادت بی‌پیرایه‌ای است خدمت ارباب دل‌های عاشق و پر کردن جام اشتیاق جان‌هاست از صهبای معرفت تا دست‌ها به آستان محبت گره بخورند و قدم‌ها به زلالی زیارت برسند.

سهم نگارنده از این همه فیض، گشودن سفره‌ای است پیش‌روی شما خوبان با چیدن چند حدیث در فضیلت تشرف به بارگاه سیدالشهدا علیه‌السلام، همراه کردنش با چند سخن گهربار از آن امام رحمت و یادکردی از برخی احکام زیارت. امید داریم که این جرعه‌های مصفا خنکایی باشد بر عطشناکی دل‌هایتان.

در پایان از همه دوستان که صمیمانه مرا یاری نمودند قدردانی می‌کنم. و از خوانندگان محترم خواستارم که نقص‌ها را بر بنده ببخشایند و از نقدها و پیشنهادها ما را محروم ننمایند.

ryazdi1395@gmail.com

دی/۱۳۹۸

شناسنامهٔ امام حسین علیه‌السلام

نام: **حسین** علیه‌السلام

نـام پـدر: **امیرالمؤمنیـن علی‌بن‌ابی‌طالـب** علیه‌السلام

نـام مـادر: **حـضـرت فـاطـمـهٔ زهـرا** علیهاالسلام

ولادت: **۴ هجری قمری، سوم شعبان**

محل ولادت: **مدینهٔ منوره**

کنیه: **ابوعبدالله**

لقب: **السبط الثانی، السید، الشهید، الامام الثالث، الطیب، الوفی، السعید**

شهادت: **۶۱ هجری قمری، دهم محرم الحرام، در سن ۵۷ سالگی**

هفت سـال با پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله**، ۳۷ سـال با امیرمؤمنـان** علیه‌السلام

و ۴۷ سال با برادرش امام مجتبی علیه‌السلام **زیست.**[۱]

محل شهادت: **کربلا**

---

۱. *إعلام الوری*، ص۴۱۱.

بصیرت،
هشیار و هوشیاری

بصیرت، هشیار و هوشیاری[1]

زیـارت آگاهانه آن اسـت که زائـر بداند که هدف از زیارت «رسـیدن» به حرم نیسـت، وارد شـدن به «حریم» اسـت؛ «بیـدار مانـدن» در حرم نیسـت، «بیدار شدن» در حریم است. اگرچه رسیدن زیباست و بیدار ماندن در آن زیباتر.[2]

شـناخت و معرفـت، **اسـاس همـه سـعادت‌ها و سربلندی‌هاسـت**. معرفت، چراغی اسـت کـه راه را به مـا می‌نمایاند و ما را تا رسـیدن به هـدف، راهنمایی می‌کنـد. از همین روسـت که زیارت عاشـورا بیشـتر به تعمق معرفت و شـناخت می‌پردازد، نه بیان فاجعه و ذکر مصیبت. بنده‌های که حسـین را بشناسـد و به گوهر او دسـت یابـد دیگر چه کم دارد تا از خدا طلب کنـد؟! هیچ! فقط باید دعا کنـد کـه از این نعمتی که نصیبش شـده محـروم نگردد. برای همین اسـت که می‌گویی: فَأَسْـأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ... أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَة؛ «و از خدا می‌خواهم که... مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد».

و از ترس آنکه مبادا در راه عشق حسین علیه‌السلام ثابت قدم نباشی و خدای ناکرده دچار سستی و انحراف شوی، ادامه می‌دهی که: وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَة...؛ «و گام صدق مرا نزد شما در دنیا و آخرت ثابت گرداند».[3]

---

۱. هشیار: بیدار. هوشیار: زرنگ.
۲. *فلسفه و آداب زیارت اربعین*، بهمانی، ص۱۲۴.
۳. *زیارت عاشورا در نگاهی دیگر*، ص۶۶.

مردم از نظر بینش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول، دیده عقل آنها نزدیک بین است، آینده خود و جهان را نمی‌بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می‌شود؛

دسته دوم، جامع‌نگر و واقع‌نگرند؛ هم نزدیک را خوب می‌بینند و هم دور را. ادراکات آنها، در محسوسات خلاصه نمی‌شود؛ هم خانه دنیا را می‌بینند و هم خانه آخرت را.

دیده بصیرت، در واقع، همان شعور فطری مرموز و ادراک باطنیِ موجود در باطن انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد، خیر و شر و حق و باطل را دارد و او را به آینده‌نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل، دعوت می‌نماید.[1]

آنچه مایهٔ کمال زیارت می‌شود، **معرفت و شناخت مقام و موقعیت مَزور (زیارت شونده) است** نه اعمالی بی‌روح و همراه با غفلت همانند گردش کورکورانه در اطراف ضریح، تماشای آثار هنری، شمارش ستون‌ها، چراغ‌ها.... این کارها، به سیاحت شباهت دارد تا زیارت. ثواب‌های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است. یعنی جایی که ارتباط قلب با مزور برقرار شود و منشأ تحول در زائر گردد، نه بر سیاحت و زیارت جسمی و صوری.[2]

[انسان] همانند برنامه‌های تلویزیونی است که شما با خرید آن همراه با آنتن‌های لازم و کیفیت تنظیم آنها... زمینه را برای دریافت برنامه‌هایی که از شبکه‌ها پخش می‌شود مهیا می‌کنید. برای قلب و روان انسان دو شبکه مهم در حال رقابت هستند، یکی از ناحیه پروردگار متعال و دیگری از سوی شیطان که به شدت برای او برنامه‌های مهم پخش می‌کنند و هر کدام کانال خاصی دارد انسان‌ها آنتن قلبشان را با هر یک تنظیم کنند برنامه‌های همان شبکه را دریافت می‌کند. پس اگر به راهنمایی‌های عقل و خِرد و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام گوش کنیم میل و علاقه‌های ما که آنتن‌های ارتباطی هستند به شبکه الهی

---

۱. *دانشنامهٔ قرآن و حدیث*، ری شهری، ج۱۳، ص۳۷۳-۳۷۷.

۲. *ادب فِنای مقربان*، جوادی آملی، ج۱، ص۴۳.

وصل می‌شـوند و اگر به هوای نفس علاقه نشـان دهیم قلب و روان ما به شبکه شیطان وصل می‌شود. بنابراین هماهنگ شدن با دستورات دینی، **آنتن قلب را بـه شـبکه الهی وصل نمـوده** و او را به تدریج به نورانیـت ایمان و معرفت و درک می‌آراید و اگر بر خلاف خواسـته‌های دینی زندگی را اداره کنیم، قطعاً وارد شبکه شیطانی شده و از درک و معرفت چیزی نصیب ما نخواهد شد.[1]

آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب *تفسیرنمونه* چنین می‌نگارند: بعضی از مردم از این سوره [انعام]، تنها به خواندن الفاظ آن قناعت می‌کنند، و جلسات عریض و طویلی برای ختم انعام و حل مشـکلات شـخصی و خصوصی خود با تشریفات ویژه‌ای تشـکیل می‌دهند که به نام جلسـات ختم انعام نامیده می‌شود، مسلماً اگر در این جلسـات به محتوای سـوره دقت شـود، **نه تنها مشـکلات شخصی، مشکلات عمومی مسلمانان نیز حل خواهد شد**، اما افسوس که بسیاری از مردم به قرآن به عنوان یک سلسـله اوراد که دارای خواص مرموز و ناشـناخته اسـت می‌نگرند و جز به خواندن الفاظ آن نمی‌اندیشند، در حالی که قرآن سراسر درس است و مکتب، برنامه است و بیداری، رسالت است و آگاهی.[2]

انسـان موقع زیـارت باید تمام توجـه‌اش به جلب رضایـت امام معصوم علیه‌السلام باشد **و نه رضایت دل خود**، بنابراین هرگونه اذیت وآزار برادران و خواهران دینی موقع زیارت موجب نارضایتی امام است و چنین زیارتی سود چندانی ندارد.[3]

ازاین‌رو شایسـته اسـت زائر قبور ائمه علیهم‌السلام با چشمی باز و دلی پرنور به زیارت آنها بروند.

در جایی دیگر آیت‌الله مکارم چنین می‌نویسـد: «هدف زیارت تربیت اسـت، تمـام ایـن برنامه‌هـا، آمـدن ۱۲۴ هزار پیامبـر، قـرآن و نهج البلاغـه و صحیفه

---

۱. *شرحی نوین بر زیارت عاشورا*، ص۱۰۵.

۲. *تفسیرنمونه*، ج۵، ص۱۴۴. فضیلت سورهٔ انعام.

۳. آیت‌الله محمدهادی تألهی همدانی، پرسمان ویژه‌نامه تابستانی، ص۸۳، به نقل از *آداب و احکام زیارت*، ص۵۱.

سجادیه و زیارت برای تربیت انسان است، اگر این برنامه‌ها انسان را تربیت نکند خالی از محتوا می‌شود، مصداق رُبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ[1] کسانی که قرآن را می‌خوانند و آیه آیه قرآن آنها را لعن می‌کند، به حج خانه خدا رفته است از زیارت خانه خدا برگشته است؛ اما تمام تعریفی که از حج می‌کند این است که در آنجا میوه‌های گوناگون چه رقم بود، وسائل سوغات چگونه بود، وسائلی که بار حجاج را سنگین‌تر می‌کند، مصنوعات بلاد کفر، همه سنخش همین است پس تو به زیارت خانه نرفتی به زیارت آن میوه‌ها و وسائل صنعتی و ابزارها رفته‌ای؟! چرا تعریف نمی‌کنی در اولین لحظه‌ای که چشمت به خانه خدا افتاد چه حالی به تو دست داد؟ در اولین طواف کعبه چه حالی داشتی؟ در آن بیابان عرفات در زیر آن خیمه‌ها وقتی دعای عرفه امام حسین علیه‌السلام را می‌خواندی چه حالی داشتی؟ شب مشعر چه حالی داشتی؟[2]

علی بن موسی الرضا علیهماالسلام مثل یک دریاست، دریای آب شیرین و زلال، آب حیات، افرادی که به سراغ این دریا می‌روند هر کدام پیمانه‌ای دارند و به اندازه پیمانه خود می‌توانند برداشت کنند، بعضی همراه با یک استکان می‌روند و آب برمی‌دارند. دریا بخیل نیست، پیمانه وجودی ما کوچک است، کسی هم می‌رود و یک کف آب برمی‌دارد، بعضی استخر وجود خود را به این دریا متصل می‌کنند، نگویید با وجود علی بن موسی الرضا علیهماالسلام پس چرا ما این چنین هستیم؟ او کامل است من که می‌روم باید استعداد داشته باشم قرآن می‌گوید: أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِها؛[3] آب باران که نازل می‌شود محدودیتی در آن نیست؛ اما این زمینه‌ها هستند که **هر کدام به اندازه گنجایش خود از آب باران استفاده می‌کنند**، هر دره و هر وادی به اندازه گنجایش خود، آب باران که تمام شد از شکاف یک کوه به اندازه یک جوی باریک مثل یک لوله سماور

---

۱. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، *جامع الأخبار*، شعیری، ص۴۸.
۲. *برتوی از زیارت جامعه کبیره*، ص۲۱.
۳. رعد، ۱۷.

آب جاری می‌شود، اما گاهی هم یک شط [رود] بزرگ مانند شط فرات و دجله پس از آب باران جاری می‌شود، این زمینه‌ها و وادی‌ها هستند که استعدادشان مختلف است وإلا آب باران محدودیتی ندارد.[1]

ای سالک زائر! گرچه باید در زیارت عاشورای حضرت سیدالشهداء، الفاظ و کلمات این زیارت را بر زبان خود جاری سازی، اما بدان که هرگز نباید در الفاظ و مفاهیم و کلمات بمانی و متوقف گردی. تو باید از طریق کلمات و مفاهیم با حضرت حسین علیه‌السلام انس و ارتباط و دلدادگی پیدا کنی و خود را حاظر در محضرش ببینی و با توجه به آن انسان کامل و مظهر اتم اسماء و صفات الهی که باب نجات امت و رحمت واسعه الهیه است، در حقایق عرشی سیر نمایی و به مقامات معنوی راه پیدا کنی و حقیقتاً زائر باشی. از حضرت صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا؛ «**هرگاه کسی را دوست داشتی، او را از دوستی خود آگاه کن**؛ زیرا که آن دوستی میان شما را پایدارتر کند».[2]

این **خبر دادن از عشق و محبت درونی** یا با لفظ است و یا با کتابت و یا با اشاره و یا با عمل که عمل نیز خودش مراتبی دارد: گاهی در قالب هدیه دادن است و گاهی از طریق مشکل گشایی بوده و گاهی با تقدیم جان و ایثار و نثار هستی خویش می‌باشد.[3]

راهکارهایی برای زیارت با معرفت

ما چهار برنامه داریم:

۱. قرآن ۲. نهج البلاغه و روایات معصومین علیهم‌السلام ۳. ادعیه، دعاهایی مانند صحیفه سجادیه ۴. زیارات، زیارت عاشورا، امین الله، جامعه کبیره. این چهار برنامه به سوی یک هدف حرکت می‌کند، اما از چهار بُعد.[4]

---

۱. *پرتوی از زیارت جامعه کبیره*، ص۳۵.
۲. *الکافی*، ج۲، ص۶۴۴.
۳. *کیمیای وصل*، ج۱، ص۳۸.
٤. *پرتوی از زیارت جامعه کبیره*، ص۲۲.

توجـه و عمل به سـیره و رفتار معصومین علیهم‌السلام، آشـنایی بـه چگونگی رفتار و گفتار آنها با دیگران، خانواده، دوستان، دشمنان.

توجه به سخنان گوهر بار معصومین علیهم‌السلام و مرور کردن احادیث نورانی آنان، ماننـد کتاب *خصال* شـیخ صدوق، حکمت‌هـای امیر مؤمنان در *نهـج البلاغه*، *غررالحکم و دررالکلم*، *تحف العقول*.

توجـه و عمـل به ویژگی‌هـای اخلاقـی معصومین علیهم‌السلام، مطالعـه کتاب‌های اخلاقـی مانند، *اخلاق شـبر*، *معراج السـعاده*، *جهـاد با نفس* (ترجمه بخشـی از جلد۱۱ *وسائل الشیعه*)

توجه و دقت به محتوای زیارت‌ها[1]

با توجـه به تلازمی که بین معرفت و محبت هسـت، ادعیه و زیارت‌های که درباره ائمه اطهار وارد شده و به ویژه زیارت نامه امام حسین علیه‌السلام، علاوه بر آنکه موجب اسـتحکام اعتقادات مذهبی و معرفت ما درباره اهل بیت علیهم‌السلام می‌شوند، بُعـد دیگـر روان مـا، یعنی محبت مـا به اهل بیـت علیهم‌السلام را نیز تقویـت می‌کنند. اصلی‌ترین بُعد شـناخت و معرفت احسـاس و عواطف‌انـد و تقویت این دو بُعهد موجب تقویت انسـانیت می‌شـود. گرامی داشـتن یاد اهل بیـت علیهم‌السلام و از جمله یاد امام حسـین علیه‌السلام و سـلام بر او، که در جای جای معارف اهل بیت علیهم‌السلام بدان سفارش شده، تدبیری است برگرفته از حکمت الهی، برای تقویت بُعد معرفتی و نیز بُعد عاطفی وجود ما، و در نتیجه، رشد جنبه انسانیت ما.[2]

---

۱. *آداب و احکام زیارت*، ص۵۱.

۲. *سجاده‌های سلوک*، ج۲، ص۲۲۴.

فضیلت زیارت
سیدالشهداء علیه‌السلام

فضیلت زیارت سید الشهداء علیه‌السلام

احادیث فراوان و کتاب‌های بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام نقل و نگاشته شده است. در این نوشتار کوچک به چهل حدیث از احادیث فضیلت زیارت آن امام همام اشاره می‌کنیم.

«زیارت» در لغت از ریشه «زَور» به معنای «توجه کردن و برگشتن» است.[1] ازاین‌رو در جایی که شخص با تمام وجود به همه چیز پشت کرده و میل و توجه را به یک نقطه معطوف می‌سازد، به او «زائر» و به آن مقصود «مَزور»[2] و این کیفیتِ توجه و برگشت از همه چیز را «زیارت» می‌گویند.

زُرتُ فلاناً: او را سینه به سینه ملاقات کردم، یا رجل زائرٌ و قوم زور: مردی و قومی زیارت کننده.[3]

در اصطلاح دینی، تمایلی است همراه با حرکت حسی (دور یا نزدیک) و البته **با شرط نیت و قصد قلبی** (حرکت باطنی) و نیز انس روحی و پاسداشت و کُرنش زیارت شونده.[4]

---

۱. *معجم مقاییس اللغة*، ج۳، ص۳۶.
۲. آن کسی که زائر به زیارت او می‌رود.
۳. *مفردات*، ج۲، ص۱۶۰.
٤. *مجمع البحرین*، ماده «زور».

چهار هزار فرشته

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: وَكَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَيَّعُوهُ حَتَّى يُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ وَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدْوَةً وَعَشِيَّةً وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ «خداوند چهار هزار فرشته پریشان و غبارآلود، بر قبر حسین علیه‌السلام گماشته است که تا روز قیامت، بر او می‌گریند **و هر کس را که با شناخت حق او به زیارتش بیاید**، بدرقه‌اش می‌کنند تا به جایگاه امنش برسانند، و اگر بیمار شود صبح و شب، عیادتش می‌کنند و اگر بمیرد بر جنازه‌اش حاضر می‌شوند و تا روز قیامت، برایش آمرزش می‌طلبند».[1]

آیا دوست نداری؟

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ لَا تَدَعْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام لِخَوْفٍ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهُ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنَّ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَسَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْأَئِمَّةُ علیهم‌السلام؟ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ بِالْمَغْفِرَةِ لِمَا مَضَى وَيُغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُ سَبْعِينَ سَنَةً؟ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ يُتْبَعُ بِهِ؟ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ غَداً مِمَّنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ «از امام صادق علیه‌السلام خطاب به معاویة بن وَهب: ای معاویه! زیارت قبر حسین علیه‌السلام را از سرِ ترس وامگذار که هر کس آن را واگذارد، چنان حسرت زده می‌شود که آرزو می‌کند قبر او [حسین] نزدش باشد.[2] آیا دوست نداری که خدا ببیند از ما مسافران و گام به راه نهادگانی هستی که پیامبر خدا، علی، فاطمه، و امامان برایشان دعا می‌کنند؟ آیا دوست نداری از کسانی باشی

---

۱. *الکافی*، ج۴، ص۵۸۱؛ *کامل الزیارات*، ص۱۸۹؛ *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ص۸۷؛ *المزار الکبیر* (ابن مشهدی)، ص۳۲۷؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۰۹.

۲. بیان علامه مجلسی رحمه‌الله: «کان ملازما لزیارته في مدة حیاته؛ آرزو می‌کند که کاش مجاور قبر امام بود تا می‌توانست مکرر ایشان را زیارت کند» (*ملاذ الاخیار*، ج۹، ص۱۱۸).

که با آمرزش گذشته و گناهان هفتاد سال، باز می‌گردند؟ آیا دوست نداری فردا از کسانی باشی که [در روز قیامت] بیرون می‌آیند، بی آنکه گناهی قابل پیگیری داشته باشند؟ آیا دوست نداری که فردا از کسانی باشی که با پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مصافحه می‌کنند؟[1]

نکته

در دعاهای اهل بیت علیهم‌السلام چنین آمده است: یَا مَنْ یُعْطِي الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ؛ «ای خدایی که در برابر عمل اندک پاداش بسیار عنایت می‌کنی».[2]

پاداشی که خدای مهربان در برابر طاعت بشر تَفضّل می‌کند به **لحاظ جُود و کرم خویش** است نه به لحاظ **حجم فیزیکی بندگان**. گاه کاری از نظر حجم فیزیکی چندان زیاد نیست ولی ارزش بالایی دارد. مانند نماز که در واجبات مهم‌ترین واجب محسوب می‌شود مگر چند قیام و قعود و چند ذکر و دعا دارد؟ یا گناه ابلیس مگر تنها یک سجده نکردن بیشتر بود؟

ازاین‌رو تنها حجم فیزیکی عمل مورد نظر نیست. ملاکِ ارزش، روح و حقیقتی است که در آن عمل وجود دارد و اثری که بر آن مترتب می‌گردد. این پادش‌های فراوان که در روایات آمده است، باید با توجه به وسعت لطف و رحمت و عطیه الهی و عنایتی که خدای تعالی به حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام دارد و قدردانی‌اش از فداکاری آن حضرت سنجیده و لحاظ شود.

از این گذشته برخی از پادش‌ها و ارزش‌ها در جایی است که زائر آداب زیارت را رعایت نماید[3] و معرفت و بصیرت کامل به امام و پشیوای خود داشته باشد. و دستورات آن امام همام را در گفتار و رفتارِ زندگی خود جاری کند.

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۲۶؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۷؛ *المزار الکبیر* (ابن مشهدی)، ص۳۳۶؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۳.
۲. *مصباح المتهجد*، ج۱، ص۳۵۳؛ *جماع الاسبوع*، ص۳۷۸.
۳. *به سوی بهشت*، صدری، ص۳۲.

پیام‌آور خدا

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يَا حُسَيْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما‌السلام إِنْ كَانَ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِينَ الْمُنْتَجِبِينَ [الْمُفْلِحِينَ الْمُنْجِحِينَ] حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الِانْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُقْرِؤُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضى؛ «به نقل از حسین فرزند علی بن ثُوَیر بن ابی فاخته: امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: «ای حسین! هر کس از خانه‌اش به قصد زیارت حسین بن علی ابی‌طالب علیهما‌السلام بیرون آید، اگر **پیاده** باشد، خداوند، برای هر گامش حَسَنه‌ای را می‌نویسد و زشتکاری‌اش را از او می‌زُداید و چون زیارتش را به پایان برَد، خداوند، او را از رهایی یافتگان می‌نویسد، و چون بخواهد باز گردد، فرشته‌ای نزد او می‌آید و به او می‌گوید: «من، پیام‌آور خدایم. خداوند، به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: عمل، از سر گیر که گذشته‌ات آمرزیده شده».[1]

برترین اعمال

أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام مَا يُبْلَغُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؟ قَالَ أَفْضَلَ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ؛ «به نقل از ابوخدیجه: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: چه چیزی [در ثواب] به زیارت قبر حسین علیه‌السلام می‌رسد؟ فرمود: «آن، برترین اعمال است».[2]

جامانده از حج

كَتَبْتُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ علیه‌السلام إِنْ رَأَى سَيِّدُنَا أَنْ يُخْبِرَنِي بِأَفْضَلِ مَا جَاءَ بِهِ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَهَلْ تَعْدِلُ ثَوَابَ الْحَجِّ لِمَنْ فَاتَهُ؟ فَكَتَبَ علیه‌السلام تَعْدِلُ الْحَجَّ لِمَنْ فَاتَهُ الْحَجُّ؛ «به

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۳۲؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۳۰؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۳؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۴۹، باب ۴۱.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۴۱؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۵۰۰.

نقـل از ابراهیم بن عُقبـه: به بنده صالح امام جواد یا امام هادی علیهماالسلام نوشـتم: اگر سَرور ما صلاح می‌داند، مرا از برترین چیزی که درباره زیارت حسین علیه‌السلام روایت شده، خبر دهد، و آیا زیارت کسـی که به حج نرسیده، برابر با حج، پاداش دارد؟ امام علیه‌السلام نوشت: [زیارت حسین علیه‌السلام] برای کسی که حج را از دست داده، برابر با حج است».[1]

هر قدم

ششمین رهبر شیعیان حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ؛ «هر کـس **پیـاده** به نزد قبر حسـین علیه‌السلام بیاید، خداوند، برای هر قدمش هزار حَسَـنه می‌نویسد و هزار زشتکاری را از او می‌زُداید و او را هزار درجه، بالا می‌برَد».[2]

حق خدا و رسول

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیهماالسلام لَكَانَ تَارِكاً حَقاً مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَحُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ «اگر یکی از شما، در تمام روزگارش حج بگزارد، اما حسـین بن علی علیهماالسلام را زیـارت نکند، حقی از حقوق خـدا و پیامبرخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را واگذاشته است؛ زیرا حق حسین علیه‌السلام، فریضه‌ای است از سوی خدای متعال و بر هر مسلمانی، واجب است».[3]

دستور به زیارت

معـدن علـم و دانش حضـرت باقـر علیه‌السلام می‌فرمایند: مُـرُوا شِـيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَإِنَّ إِتْيَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ وَإِتْيَانَهُ مُفْتَرَضٌ

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۵۷؛ *مستدرک الوسائل*، ج۱۰، ص۲۶۷.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۳۳؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۴۰.
۳. *کامل الزیارات*، ص۱۳۲؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۲۷؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۲۸.

عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِلْحُسَيْنِ بِـالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ؛ «امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضـرت حسـین بن علی علیهما‌السلام چه آنکـه زیارت آن حضـرت رزق و روزی را زیاد و عمـر را طولانـی کرده و امـوری که بدی و شـر را جلب می‌کنند دفـع می‌نماید. و زیـارت آن حضـرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامـت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است».[1]

زیارت واجب

عَنْ أُمِّ سَعِيدٍ الْأَحْمَسِيَّةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَـتْ قَالَ لِي يَا أُمَّ سَعِيدٍ تَزُورِينَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ؟ قَالَتْ قُلْتُ نَعَمْ. فَقَالَ لِي زُورِيهِ فَإِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَـيْنِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ؛ «به نقل از امّ سعید اَحمَسی: امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: ای امّ سعید! آیـا قبر حسـین علیه‌السلام را زیارت می‌کنی؟ گفتـم: آری. امام علیه‌السلام به مـن فرمود: او را زیارت کن، که زیارت قبر حسین علیه‌السلام بر مردان و زنان، واجب است».[2]

ایمان ناقص

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ مُنْتَقَصَ الْإِيمَانِ مُنْتَقَصَ الدِّينِ؛ «هر کس از پیروان ما که نزد قبر حسین علیه‌السلام نیاید، ایمان و دینش ناقص است».[3]

ادعای شیعه ما!

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَـيْنِ علیه‌السلام وَهُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِـيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضِيفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ «هر

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۵۱؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۳.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۲۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۷. برای توضیح روایات وجوب رجوع شود به کتاب: *زیارة الامام الحسین* علیه‌السلام بحث استدلالی فی روایات الوجوب، الشیخ رافد التمیمی، مرکز الدراسات التخصصیه فی النهضه الحسینیه، ۱۴۳۵هجری.
۳. *کامل الزیارات*، ص۱۹۳؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۵۶؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۲.

کس ادعا کند شیعه ماست، اما به زیارت قبر حسین علیه‌السلام نیاید تا بمیرد، شیعه ما نیست، و اگر جزو بهشتیان شود، از میهمانان اهل بهشت است».[1]

خیر فراوان

پیشوای راستگویان حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ لَمْ يَزُرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَقَدْ حُرِمَ خَيْراً كَثِيراً وَنُقِصَ مِنْ عُمُرِهِ سَنَةٌ؛ «هر کس قبر حسین علیه‌السلام را زیارت نکند، از خیر فراوانی محروم مانده است و یک سال از عمرش کم می‌شود».[2]

چقدر جفا؟

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا قَالَ فَمَا أَجْفَاكُمْ قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَيْ أَلْفِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ وَيَزُورُونَ لَا يَفْتُرُونَ؛ «به نقل از سَدیر: امام صادق علیه‌السلام فرمود: ای سَدیر! قبر حسین علیه‌السلام را هر روز زیارت می‌کنی؟ گفتم فدایت شوم! نه. فرمود: چه قدرجفا کارید! [سپس] فرمود: هر هفته، او را زیارت می‌کنید؟ گفتم: نه. فرمود: هر ماه، او را زیارت می‌کنید؟ گفتم: نه. فرمود: هر سال او را زیارت می‌کنید؟ گفتم گاهی چنین می‌شود. فرمود: ای سَدیر! چقدر به حسین علیه‌السلام جفا می‌کنید! آیا نمی‌دانی که خداوند دو هزار فرشتهٔ پریشانِ غبارآلود دارد که [کنار قبر حسین علیه‌السلام] بدون خستگی، بر او می‌گِریند و زیارتش می‌کنند».[3]

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۹۳؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۲.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۵۱؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۱.
۳. *الکافی*، ج۴، ص۵۸۹؛ *کامل الزیارات*، ص۲۹۱؛ *کتاب من لایحضره الفقیه*، ج۲، ص۵۹۹؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۹۴.

جبران هزینه

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ قَالَ أَقُولُ إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَعَقَّنَا وَاسْتَخَفَّ بِأَمْرٍ هُوَ لَهُ وَمَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ ـ وَكُفِيَ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَإِنَّهُ لَيَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ ـ وَيَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً وَيَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَمَا عَلَيْهِ وِزْرٌ وَلَا خَطِيئَةٌ إِلَّا وَقَدْ مُحِيَتْ مِنْ صَحِيفَتِهِ؛ «به نقل از حلبی: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم! درباره کسی که می‌تواند حسین علیه‌السلام را زیارت کند، اما آن را وا می‌گذارد، چه می‌گویی؟ امام علیه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ما را نافرمانی کرده و کاری را که به سود اوست، سبُک شِمرده است. هر کس حسین علیه‌السلام را زیارت کند، خداوند در پی حاجت‌های اوست و آنچه از کارهای دنیا که او اندیشناک کرده، برایش کفایت می‌شود [و حل می‌گردد]. این زیارت، روزی را به سوی بنده می‌کشد و آنچه را هزینه کرده، جبران می‌کند و گناهان پنجاه ساله‌اش آمرزیده می‌شود و در حالی به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد که هیچ گناه و خطایی نیست جز آنکه از نامهٔ عملش محو می‌شود».[1]

فرود فرشتگان

امام صادق علیه‌السلام: ... فَإِنْ هَلَكَ فِي سَفَرِهِ نَزَلَتِ الْمَلَائِكَةُ فَغَسَّلَتْهُ وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ رَوْحُهَا حَتَّى يُنْشَرَ وَإِنْ سَلِمَ فُتِحَ لَهُ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ الرِّزْقُ وَيُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَذُخِرَ ذَلِكَ لَهُ فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَإِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ وَذَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ؛ «و اگر [زائر امام حسین علیه‌السلام] در سفرش بمیرد، فرشتگان، فرود می‌آیند و او را غسل می‌دهند و دری به سوی بهشت برایش گشوده می‌شود که روحش از آن وارد می‌شود تا آن‌گاه که محشور شود و اگر سالم برسد، دری از روزی بر او گشوده می‌شود و برایش در برابر هر

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۲۸؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۵؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۲۹.

درهمی که هزینه کرده، ده هزار درهم می‌دهند و آن را برایش می‌اندوزند، و چون محشور شود، به او گفته می‌شود: برای تو در برابر هر درهمی، ده هزار درهم است. خداوند، سود تو را در نظر داشته و آن را نزد خود، برایت اندوخته است».[1]

یک سال و یک عمر

امام صادق علیه‌السلام یا امام کاظم علیه‌السلام: يَقُولُ مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلٌ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام نَقَصَ اللَّهُ مِنْ عُمُرِهِ حَوْلًا وَلَوْ قُلْتُ إِنَّ أَحَدَكُمْ يَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقاً وَذَلِكَ أَنَّكُمْ تَتْرُكُونَ زِيَارَتَهُ فَلَا تَدَعُوهَا يَمُدُّ اللَّهُ فِي أَعْمَارِكُمْ وَيَزِيدُ فِي أَرْزَاقِكُمْ وَإِذَا تَرَكْتُمْ زِيَارَتَهُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ وَأَرْزَاقِكُمْ؛ «هر کس، یک سال بر او بگذرد و نزد قبر حسین علیه‌السلام نیاید، خداوند، یک سال از عمرش می‌کاهد، و اگر بگویم که گاهی یکی از شما، سی سال پیش از فرا رسیدن اَجَلش می‌میرد، راست گفته‌ام؛ زیرا شما، زیارت او را وا می‌گذارید. پس آن را وامگذارید تا خداوند، عمرهایتان را طولانی کند و بر روزی‌هایتان بیفزاید و چون زیارتش را واگذارید، خداوند، از عمرها و روزی‌هایتان می‌کاهد».[2]

میان من و حسین علیه‌السلام!

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ لِي كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؟ قُلْتُ يَوْمٌ لِلرَّاكِبِ وَيَوْمٌ وَبَعْضُ يَوْمٍ لِلْمَاشِي قَالَ أَ فَتَأْتِيهِ كُلَّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا مَا آتِيهِ إِلَّا فِي حِينٍ قَالَ مَا أَجْفَاكُمْ أَمَا لَوْ كَانَ قَرِيباً مِنَّا لَاتَّخَذْنَاهُ هِجْرَةً أَيْ نُهَاجِرُ إِلَيْهِ؛ «به نقل از ابوجارود: امام باقر علیه‌السلام به من فرمود: میان شما و [مرقد] حسین علیه‌السلام چقدر راه است؟ گفتم: یک روز راه، برای سواره و یک روز و چند ساعت، برای پیاده. فرمود: آیا هر هفته به زیارتش می‌روی؟ گفتم: نه. جز گاه به گاه نمی‌روم. فرمود: چقدر جفا کاری! هشیار باشید که اگر به ما نزدیک بود، آن را هجرتگاه خود قرار می‌دادیم».[3]

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۲۸؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۵؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۲۹.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۵۱؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۵۲؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۵۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۰.
۳. *کامل الزیارات*، ص۲۳۹؛ *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ص۸۸؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۲۲۶.

چه کسی برود؟

عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: يَا عَلِيُّ بَلَغَنِي أَنَّ قَوْماً مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَعْرِفُ أُنَاساً كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَئُوا وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله تَبَاعَدُوا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي كَمِ الزِّيَارَةُ؟ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تَزُورَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَافْعَلْ قُلْتُ لَا أَصِلُ إِلَى ذَلِكَ لِأَنِّي أَعْمَلُ بِيَدِي وَأُمُورُ النَّاسِ بِيَدِي وَلَا أَقْدِرُ أَنْ أُغَيِّبَ وَجْهِي عَنْ مَكَانِي يَوْماً وَاحِداً قَالَ أَنْتَ فِي عُذْرٍ وَمَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ وَإِنَّمَا عَنَيْتُ مَنْ لَا يَعْمَلُ بِيَدِهِ مِمَّنْ إِنْ خَرَجَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ هَانَ ذَلِكَ عَلَيْهِ أَمَا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَلَا عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُلْتُ فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا فَيَجُوزُ ذَلِكَ؟ قَالَ نَعَمْ وَخُرُوجُهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْراً وَخَيْراً لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ يَرَاهُ رَبُّهُ سَاهِرَ اللَّيْلِ لَهُ تَعَبُ النَّهَارِ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً تُوجِبُ لَهُ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ فَتَنَافَسُوا فِي ذَلِكَ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ؛ «به نقل از علی بن میمون صائغ: امام صادق علیه‌السلام فرمود: ای علی! به من خبر رسیده که گروهی از شیعیان ما، یک سال و دو سال برایشان می‌گذرد و حسین علیه‌السلام را زیارت نمی‌کنند. گفتم فدایت شوم! من مردم بسیاری را می‌شناسم که این گونه‌اند. فرمود: هان، که به خدا سوگند در نصیب و حظّ خود خطا کردند و از پاداش الهی منحرف گشتند و از جوار محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله دور شدند! گفتم فدایت شوم! زیارت چند وقت یک بار باشد؟ فرمود: ای علی! اگر می‌توانی او را در هر ماه زیارت کنی این کار را بکن. گفتم این مقدار نمی‌رسم؛ زیرا من با دست و بازویم کار می‌کنم [علی بن میمون، زرگر بوده است] و کارهای مردم در دست من است و نمی‌توانم یک روز هم از مغازه‌ام غیبت کنم. فرمود تو و هر کس که با بازویش کار می‌کند عذر دارید، مقصود من کسی است که با دست و بازویش کار نمی‌کند واگر هر هفته هم بیرون برود بر او گران نمی‌آید هشیار باشید که او نزد خدا و پیامبرش در روز قیامت، عذری ندارد. گفتم: **اگر به جای خود**، مردی را برای زیارت روانه کنم جایز است؟ فرمود: آری؛ و [اگر] خودش برود پاداش بیشتر و برکت بیشتری نزد خدایش دارد. پروردگارش او را می‌بیند که

برای او شب زنده‌دار است و روزها در رنج و سختی است. پس به او نگاه عنایتی می‌اندازد که فردوس بَرین را به همراه محمد و اهل بیتش برایش واجب می‌کند، پس برای این رقابت کنید و اهل آن باشید».[1]

فقیر و توانگر

امام صادق علیه‌السلام: حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَحَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً؛ «بر توانگر، لازم است که هر سال دو بار به زیارت قبر حسین بن علی علیهما‌السلام بیاید و بر فقیر لازم است که سالی یک بار».[2]

قدم با معرفت

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: أَخْبَرَنِي أَبِي أَنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَبَلَغَ الْفُرَاتَ وَوَقَعَ فِي الْمَاءِ وَخَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَانَ مِثْلَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَإِذَا مَشَى إِلَى الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَرَفَعَ قَدَماً وَوَضَعَ أُخْرَى كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ؛ «**هر کس با معرفت و بدون تکبر** به سوی قبر حسین علیه‌السلام به راه بیفتد و به رود فرات برسد و در آب فرو رود و بیرون آید مانند کسی است که از گناهانش بیرون می‌آید و چون به سوی حسین علیه‌السلام برود و یک **قدم** بردارد و یک **قدم** بگذارد خداوند [در کارنامه عملش] ده کار خوب برایش می‌نویسد و ده کار بدِ او را می‌زُداید».[3]

قدم بی‌تکبر

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ أَرَادَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام لَا أَشَراً وَلَا بَطَراً وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً مُحِّصَتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحَّصُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنَسٌ وَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَكُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً؛ «هر کس آهنگِ زیارت قبر حسین علیه‌السلام را

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۲۹۵؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۵۳۴.
۲. *کامل الزیارات*، ص۲۹۳؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۲۹؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۷.
۳. *تهذیب الاحکام*، ج۲، ص۵۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۸۴.

داشـته باشد، اما **نه از سرِ کبر و غرور و یا ریا کاری و رسیدن آوازه‌اش به همگان**، گناهانش زُدوده می‌شـوند همان‌گونه که جامه در آب پاکیزه می‌شـود و چرکی بر آن نمی‌مانَد و خداوند در برابر هرگامی یک حج برای او می‌نویسد و **هرگاه قدمش** را بر می‌دارد عمره‌ای برایش می‌نویسد.»[1]

دعای مستجاب

عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَا شُـعَيْبُ مَا صَلَّى عِنْدَهُ أَحَدٌ الصَّلَاةَ إِلَّا قَبِلَهَا اللَّهُ مِنْهُ وَلَا دَعَا عِنْدَهُ أَحَدٌ دَعْوَةً إِلَّا اسْـتُجِيبَ لَهُ عَاجِلةً وَآجِلَةً فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي فِيهِ قَالَ يَا شُعَيْبُ أَيْسَرُ مَا يُقَالُ لِزَائِرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما‌السلام قَدْ غُفِرَ لَكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَاسْتَأْنِفْ عَمَلًا جَدِيداً؛ «به نقل از شُعَیب عَقَرقوبی به امام [صادق علیه‌السلام] گفتم فدایت شوم! کسی که نزد قبر حسین علیه‌السلام بیاید چه پاداش و اجری دارد؟ فرمود: ای شعیب! هیچ کس نزد او نماز نمی‌خواند جز آنکه خداوند از او می‌پذیرد و هیچ کس نزد او دعا نمی‌کند جز آنکه دعایش برای این دنیا و آن دنیا مسـتجاب می‌شود. گفتم: فدایت شوم! برایم بیشـتر بگو. فرمود: ای شـعیب! **کمترین چیزی** که به زائر حسـین علیه‌السلام گفته می‌شود این است ای بندهٔ خدا! آمرزیده شدی دوباره از نو عمل از سر گیر».[2]

ملاقات خدا

امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام؛ «به نقل از ریان بن شـبیب از امام رضا علیه‌السلام اگر خُوش داری که خداوند را پاک و بدون گناه ملاقات کنی، حسین علیه‌السلام را زیارت کن».[3]

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۴۴؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۴۶؛ *المقنعه*، ص۴۶۸؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۴؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۴۶.
۲. *کامل الزیارات*، ص۲۵۲؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۱۳۵؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۵۳۸.
۳. *الامالی* (صدوق)، ص۱۳۰؛ *إقبال اعمال*، ج۲، ص۵۴۵؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۷.

حق و حرمت

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؛ «کمترین پاداش زائر اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در کنار رود فرات، آمرزش گناهانِ پیشین و پسین اوست، **اگر حق و حرمت و ولایت او را بداند**».[1]

بشارت

عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام لِلْمُفَضَّلِ كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؟ قُلْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَوْمٌ وَبَعْضُ يَوْمٍ آخَرَ قَالَ فَتَزُورُهُ؟ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَالَ أَ لَا أُبَشِّرُكَ أَ لَا أُفَرِّحُكَ بِبَعْضِ ثَوَابِهِ؟ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَأْخُذُ فِي جِهَازِهِ - وَيَتَهَيَّأُ لِزِيَارَتِهِ فَيَتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاكِباً أَوْ مَاشِياً - وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؛ «به نقل از جابر جُعفی امام صادق علیه‌السلام به مُفَضَّل فرمود: میان تو و قبر حسین علیه‌السلام، چقدر راه است؟ گفت: پدر و مادرم فدایت باد! یک روز و چند ساعت. فرمود: آیا او را زیارت می‌کنی؟ گفت: آری. فرمود آیا به تو بشارت دهم؟ آیا تو را به بخشی از پاداش آن [خبر دهم و] شاد سازم؟ گفتم: آری فدایت شوم! فرمود: مردی از شما وسایلش را برمی‌دارد و برای زیارت او آماده می‌شود. پس اهل آسمان، بشارت او را به یکدیگر می‌دهند و چون از درِ خانه‌اش بیرون می‌رود، **پیاده** یا سواره، خداوند چهار هزار فرشته از میان فرشتگان بر او می‌گمارد که بر او درود بفرستند تا به قبر حسین علیه‌السلام برسد».[2]

---

۱. *الکافی*، ج۴، ص۵۸۲؛ *کامل الزیارات*، ص۱۵۳؛ *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص۵۸۱؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۰.

۲. *کامل الزیارات*، ص۲۰۶؛ *المزار الکبیر* (ابن مشهدی)، ص۴۳۵.

روز شمار عمر

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: إِنَّ أَيَّامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهماالسلام لَا تُعَدُّ مِنْ آجَالِهِمْ؛ «روزهای زیارت زائر حسین علیه‌السلام جزو عمرشان حساب نمی‌شود».[1]

زائر خوشبخت

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: قَالَ لِي يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدَعْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَمُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَيَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَيُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَلَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيداً وَيَكْتُبُكَ سَعِيداً؛ «به نقل از خَثعَمی امام [صادق علیه‌السلام] به من فرمود ای عبدالملک! زیارت امام حسین علیه‌السلام را وامگذار و یارانت را به آن فرمان بده که خداوند عمرت را طولانی می‌کند و روزی‌ات را می‌افزاید و تو را خوش بخت می‌دارد و جز خوش‌بخت از دنیا نمی‌روی و تو را جزو نیک‌بختان می‌نویسد».[2]

کشتهٔ اشک

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوباً وَحَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ وَقَلَبَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً؛ «من کشتهٔ اشکم به رنج [و سختی] شهید شدم و برای خدا سزاوار است که رنجیده‌ای نزد من نیاید مگر آنکه او را با دل شادی به خانواده‌اش باز گرداند».[3]

---

۱. *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۴۳؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۳۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۴. بیان علامه مجلسی: «قوله علیه السلام: لا تعد من آجالهم ظاهره أن تلك الأيام تزاد على ما قدر له من العمر، فيلزم أن لا يموت أحد في طريق زيارته علیه‌السلام. ويمكن أن يقال: لعله إن لم يقصد الزيارة كان يموت قبل خروجه، أو يقال: هذا في الزيارة المقبولة. ولعل الأظهر أن يحمل على أنه لا يحاسب على تلك الأيام يوم القيامة، أي: لا تعد من آجالهم وأعمالهم التي يحاسبون عليها» (*ملاذ الاخیار*، ج۹، ص۱۱۲). در *کامل الزیارات*، ص۱۳۶، قبل از «لَا تُعَدُّ» چنین آمده است «لَا تُحْسَبُ مِنْ أَعْمَارِهِم».

۲. *کامل الزیارات*، ص۱۵۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۱؛ *بحارالانوار*، ج۹۸، ص۴۷.

۳. *کامل الزیارات*، ص۱۰۹؛ *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ص۹۸؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۲۲.

تعجب!

امام صادق علیه‌السلام: عَجَباً لِأَقْوَامٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ لَنَا وَيُقَالُ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَمُرُّ بِهِ دَهْرَهُ وَلَا يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام جَفَاءً مِنْهُ وَ [تَهَاوُناً وَعَجْزاً وَكَسَلًا] تَهَاوَنَ وَعَجَزَ وَكَسِلَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ مَا تَهَاوَنَ وَلَا كَسِلَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ؟ قَالَ فَضْلٌ وَخَيْرٌ كَثِيرٌ أَمَا أَوَّلُ مَا يُصِيبُهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَيُقَالَ لَهُ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ؛ «تعجّب است از **گروهی که می‌پندارند شیعه هستند** ولی گفته می‌شود روزگار بر ایشان می‌گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه‌السلام نمی‌روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی‌حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می‌دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی‌دادند. عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟ حضرت فرمود: فضل و خیر بسیاری در آن می‌باشد، اولین خیری که به زائر می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می‌شود: از ابتداء شروع به عمل کن».[1]

دعای ملکوتیان

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ يَدْعُو لِزُوَّارِهِ [حسین علیه‌السلام] فِي السَّمَاءِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ «آنان که در آسمان برای زائرین امام حسین علیه‌السلام دعا می‌کنند بیش از کسانی هستند که در زمین برای آنان دعا می‌نمایند».[2]

آتش و هیزم

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: أَنَّ زَائِرَهُ لَيَخْرُجُ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ فَيْئُهُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ فَإِذْ وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذُنُوبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ وَمَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْئاً فَيَنْصَرِفُ وَمَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ؛ «زائر حسین علیه‌السلام وقتی به قصد زیارت

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۲۹۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۵.
۲. *الکافی*، ج۴، ص۵۸۳؛ *کامل الزیارات*، ص۱۱۷؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۱۳.

از خانـه‌اش خـارج شـد سـایه‌اش به چیـزی نمی‌افتد مگـر آن چیـز برایش دعا می‌نمایـد، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می‌خورد همان طوری که آتـش هیزم را می‌خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بـر او باقی نمی‌گذارد، بنابراین از زیارت بر می‌گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست».[1]

آیا اهل بهشتی؟

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَعْرِضُ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ كَانَ لَنَا مُحِبّاً فَلْيَرْغَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ علیه‌السلام زَوَّاراً عَرَفْنَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَكَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ کسـی که می‌خواهد بداند **آیا اهل بهشـت هست یا نه، پس حبّ و دوسـتی ما را بر دلش عرضه کند.** اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن اسـت و کسـی که محب و دوسـت‌دار ما است باید در زیارت امام حسـین علیه‌السلام راغب باشـد، بنابراین شـخصی که زائر امام حسین علیه‌السلام باشد ما او را محب خود می‌دانیم و از اهل بهشت خواهد بود».[2]

شوق زیارت

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَتَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْه حَسَرَاتٍ؛ «اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما‌السلام چه فضل و ثوابی است حتماً **از شوق و ذوق قالب تهی** می‌کردند و به‌خاطر حَسرت‌ها، نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد».[3]

مرا می‌شناسی؟

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ زُوَّارُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؟ فَيَقُومُ أُنَاسٌ كَثِيرٌ فَيُقَالُ لَهُمْ خُذُوا بِيَدِ مَنْ أَحْبَبْتُمْ انْطَلِقُوا بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْخُذُ الرَّجُلُ مَنْ أَحَبَّ حَتَّى إِنَّ

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۲۹۷؛ *الدروع الواقیه*، ص۷۵؛ *بحارالانوار*، ج۹۸، ص۱۵.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۹۳؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۳۲.
۳. *کامل الزیارات*، ص۱۴۲؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۵۳.

الرَّجُلَ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ لِرَجُلٍ يَا فُلَانُ أَ مَا تَعْرِفُنِي؟ أَنَا الَّذِي قُمْتُ لَكَ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا فَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ لَا يُدْفَعُ وَلَا يُمْنَعُ؛ «[در روز قیامت] منادی ندا می‌کند: زوّار قبر امام حسین علیه‌السلام در کجا هستند؟! خلق بسیاری به پا می‌خیزند. پس به ایشان گفته می‌شود: دست هر کسی را که دوست دارید بگیرید و آنها را به بهشت ببرید، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته و به بهشت می‌برد حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می‌گویند: ای فلانی من را می‌شناسی؟ **من کسی هستم که در فلان روز در فلان مجلس برای تو ایستاده و احترام از تو نمودم** پس من را نیز دریاب، زائر او را نیز گرفته و به بهشت داخل نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد».[1]

ضامن حاجت‌ها

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: إِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله يَا وَفْدَ اللَّهِ أَبْشِرُوا بِمُرَافَقَتِي فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ نَادَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَدَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ «وقتی زوّار غسل کردند حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله ایشان را مورد نداء قرار داده و می‌فرماید: ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید. سپس امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ایشان نداء نموده و می‌فرماید: **من ضامنم** که حوائج شما را برآورده نموده و بلاء را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم».[2]

رئیس شیعه

قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَا أَبَانُ مَتَى عَهْدُكَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام؟ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي بِهِ عَهْدٌ مُنْذُ حِينٍ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ مِنْ رُؤَسَاءِ الشِّيعَةِ تَتْرُكُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام لَا تَزُورُهُ؟!؛ «أبان بن تَغلِب می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام به من فرمودند: ای ابان چه وقت قبر حسین علیه‌السلام را زیارت کردی؟» گفتم: به خدا

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۶۷؛ *مستدرک الوسائل*، ج۱۰، ص۲۳۶.
۲. *کامل الزیارات*، ص۱۳۳؛ *تهذیب الاحکام*، ج۶، ص۵۳؛ *المزارالکبیر* (مشهدی)، ص۳۳۰؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۴۸۵.

سوگند ای پسر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تا به حال به زیارت آن حضرت نرفته‌ام. حضرت فرمود: «سبحان الله، تو از روسای شیعه هستی و زیارت امام حسین علیه‌السلام را ترک می‌کنی، به زیارتش نمی‌روی؟!».[1]

انگشت‌نما

عَنْ قائد [فَائِدٍ] عَنْ عَبْدٍ صَالِحٍ علیه‌السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام قَدْ زَارَهُ النَّاسُ مَنْ يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَمَنْ يُنْكِرُهُ وَرَكِبَتْ إِلَيْهِ النِّسَاءُ وَوَقَعَ حَالُ الشُّهْرَةِ ـ وَقَدِ انْقَبَضْتُ مِنْهُ لِمَا رَأَيْتُ مِنَ الشُّهْرَةِ قَالَ فَمَكَثَ مَلِيّاً لَا يُجِيبُنِي ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا عِرَاقِيُّ إِنْ شَهَرُوا أَنْفُسَهُمْ فَلَا تَشْهَرْ أَنْتَ نَفْسَكَ فَوَاللَّهِ مَا أَتَى الْحُسَيْنَ علیه‌السلام آتٍ عَارِفاً بِحَقِّهِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ؛ «به نقل از قائد بر عبد صالح [امام کاظم علیه‌السلام] درآمدم و گفتم: فدایت شوم! حسین علیه‌السلام را، هم کسانی زیارت می‌کنند که این امر [امامت] را می‌شناسند و هم کسانی که آن را نمی‌شناسند، و زنان نیز به سوی آن می‌روند و به زیارت، شهرت یافته است و من، برای دوری از شُهرت و انگشت نما شدن، از زیارت، خودداری می‌کنم. امام علیه‌السلام مدتی قابل توجه درنگ کرد و پاسخم را نداد. سپس رو به من کرد و فرمود: ای عراقی! اگر آنان خود را انگشت نما می‌کنند، تو خود را انگشت نما مکن. **به خدا سوگند، هیچ کس با شناخت حق حسین علیه‌السلام به زیارتش نیامد**، جز آنکه خداوند، گناهان پیشین و پسین او را آمرزد».[2]

حج فقرا

عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام مَا يُقَالُ إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام تَعْدِلُ حِجَّةً وَعُمْرَةً؟ فَقَالَ إِنَّمَا الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ هَاهُنَا وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ ـ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمْرَةً؛ «به نقل از عبدالکریم بن حَسّان: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: چه گفته می‌شود

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۳۳۱؛ *مستدرک الوسائل*، ج۱۰، ص۲۵۷.
۲. کامل الزیارات، ص۱۴۰؛ *مستدرک الوسائل*، ج۱۰، ص۲۳۶.

درباره زیارت قبر ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام که برابر با حج و عمره است؟ فرمود: حج و عمره این‌جاست؛ اما اگر کسی اراده حج کرد، ولی برایش میسر نشد وبه زیارت حسین علیه‌السلام رفت، خداوند برایش حج می‌نویسد و اگر مردی اراده عمره کرد، ولی برایش میسر نشد و به زیارت حسین علیه‌السلام رفت ،خداوند برایش عمره می‌نویسد».[1]

زیارت از راه دور

كُنْتُ أَنَا وَيُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَأَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ جُلُوساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام وَكَانَ الْمُتَكَلِّمُ مِنَّا يُونُسَ وَكَانَ أَكْبَرَنَا سِنّاً فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ ...إِنِّي كَثِيراً مَا أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام فَأَيَّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تُعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثاً فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَمِنْ بَعِيدٍ؛ «حسین به ثُویر می‌گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام نشسته بودیم و یونس که از همه ما مسن‌تر بود سخنگویمان بود. او به امام علیه‌السلام گفت: فدایت شوم!... من امام حسین علیه‌السلام را خیلی یاد می‌کنم. چه چیزی بگویم؟ فرمود: بگو: "صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ"؛ «خدا بر تو درود بفرستد، ای اباعبدالله» سه بار، این را می‌گویی، که سلام از دور و نزدیک به او می‌رسد».[2]

آیت‌الله فاضل رحمه‌الله می‌فرمایند روایات متعددی وارد شده است که اگر نمی‌توانید نزد قبور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام حاضرشوید و از نزدیک زیارت کنید، از دور با اشاره به قبور آنان سلام دهید و زیارت کنید. و روایات دلالت دارند بر استحباب زیارت و سلام بر آنان در تمام حالات.[3]

جامانده‌های از زیارت

کسانی که توفیق زیارت امام حسین علیه‌السلام را نداشته‌اند می‌توانند راهکارهای زیرا را انجام دهند:[4]

---

۱. *کامل الزیارات*، ص۱۵۶؛ *مستدرک الوسائل*، ج۱۰، ص۲۶۷.
۲. *الکافی*، ج۴، ص۵۷۵؛ *کامل الزیارات*، ص۱۹۸؛ *المزار* (شیخ مفید)، ص۲۱۴. در *کامل الزیارات* چنین است «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ الله».
۳. *جامع المسائل الفضل*، ج۲، ص۱۱۰.
٤. *آداب و احکام زیارت*، ص۶۰.

۱. رفتن به زیارت معصومین دیگر

در این راستا امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ زَارَ وَاحِداً مِنَّا كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام؛ «کسی که یکی از ما را زیارت کند، مانند آن است که امام حسین علیه‌السلام را زیارت کرده است».[۱]

۲. به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام بروند

در این زمینه امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند: لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام؛ «اگر به زیارت قبر عبدالعظیم که نزد شماست بروی، مانند این است که به زیارت امام حسین علیه‌السلام رفته باشی».[۲]

۳. زیارت قبور صالحین

در این رابطه امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزُورَ قُبُورَنَا فَلْيَزُرْ قُبُورَ صُلَحَاءِ إِخْوَانِنَا؛ «کسی که نمی‌تواند به زیارت قبور ما بیاید، قبور صالحین از برادران ما را زیارت کند».[۳]

۴. رفتن به استقبال زائر امام حسین علیه‌السلام

در این باره امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: إِذَا انْصَرَفَ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِكُمْ مِنْ زِيَارَتِنَا أَوْ زِيَارَةِ قُبُورِنَا فَاسْتَقْبِلُوهُ وَسَلِّمُوا عَلَيْهِ وَهَنِّئُوهُ بِمَا وَهَبَ اللَّهُ لَهُ فَإِنَّ لَكُمْ مِثْلَ ثَوَابِهِ؛ «کسی که از زیارت امام حسین علیه‌السلام بر می‌گردد. به استقبال او بروید و تهنیت بگویید به آنچه که خدا به او بخشیده که با این تهنیت، ثوابی همچون ثواب زیارت نصیب شما می‌شود».[۴]

۵. غسل کردن و خواندن زیارت امام حسین علیه‌السلام بر بام خانه[۵]

۶. نیابت در سفر زیارتی[۶]

---

۱. *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*؛ ص۹۸؛ *وسائل الشیعه*، ج۱۴، ص۵۶۸.
۲. *کامل الزیارات*، ص۳۲۴.
۳. *الکافی*، ج۴، ص۶۰.
۴. *بحارالانوار*، ج۹۹، ص۳۰۲.
۵. *کامل الزیارات*، باب ۹۶، ح۷.
۶. همان، ص۲۹۵.

سخنانی از
امام حسین علیه‌السلام

سخنانی از امام حسین علیه‌السلام

بلای تدریجی

امام حسین علیه‌السلام در دعایی زیبا می‌فرمایند: اللَّهُمَّ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِالْإِحْسَانِ، وَلَا تُؤَدِّبْنِي بِالْبَلَاءِ؛ «خدایا مرا با احسانت در دام استدراج گرفتار مساز و با بلا، تأدیبم مکن».[1]

در کلامی دیگر امام حسین علیه‌السلام استدراج را چنین معنا می‌کنند: الِاسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبِغَ عَلَيْهِ النِّعَمَ وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ؛ «استدراج به وسیله خداوند آن است که نعمت فراوان و مستمر به او رساند و سپاسگزاری را از او بگیرد».[2]

به تدرج و آرام آرام خداوند مهربان نعمت‌های بسیاری به انسان می‌دهد و در کنار این نعمت‌ها، شکر نعمت را از او می‌گیرد. و فرد غافل می‌شود که روزی دهنده خداست و شایسته است از او تشکر زبانی و عملی کند. و از استغفار گناهان خویش غافل می‌گردد.

از امام صادق علیه‌السلام معنای استدراج را پرسیدند؟ ایشان فرمودند: هُوَ الْعَبْدُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ، فَيُمْلى لَهُ، وَيُجَدَّدُ لَهُ عِنْدَهَا النِّعَمُ، فَتُلْهِيهِ عَنِ الِاسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ، فَهُوَ مُسْتَدْرَجٌ مِنْ حَيْثُ لَايَعْلَمُ؛ «آن این است که بنده‌ای گناه کند پس به او مهلت

---

۱. *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، ص ۸۳.
۲. *تحف العقول*، ص ۲۴۶.

داده شود و برایش در هنگام گناه نعمتی اضافه گردد، پس او را از آمرزش خواهی از گناهان باز دارد، پس او غافلگیر شده از راهی که نداند».[1]

مالت را بخور!

امام حسین علیه‌السلام در کلامی شیوا و زیبا چنین می‌فرمایند: مَالُكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ فَلَا تَبْقَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى عَلَيْكَ وَكُلْهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ؛ «دارایی‌ات اگر برای تو نباشد، تو برای آن هستی؛ پس باقی‌اش مگذار که برای تو نمی‌ماند و آن را **بخور** پیش از آنکه **تو را بخورد**».[2]

برگ عیشی به گور خویش فِرِست
کس نیارد، زِ پس و پیش فرست (سعدی)

به قول معروف «ثروت نوکر خوبی است، لکن ارباب بدی است». اختیار ثروت در دست ماست و بهتر است از آن به بهترین و شایسته‌ترین روش در سعادت دنیا و آخرت خویش استفاده کنیم؛ چرا که پس از ما، این مالی که سال‌ها با زحمت و تلاش به دست آوردیم به وارث می‌رسد و وارث محترم هم به فکر خویش است. پس چه نیکوست با این ثروت نام نیکی از خود به جا بگذاریم و از آن ذخیره‌ای برای آبادی آخرت خویش بسازیم.

بنوش و بپوش و ببخش و بده برای دگر روز، چیزی بنه (سعدی)

پدر بزرگوارشان حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرمایند: مَا أَكَلْتَهُ رَاحَ وَ مَا أَطْعَمْتَهُ فَاحَ؛ «آنچه بخوری، برود و آنچه بخورانی فراوان و پر برکت شود».[3]

زان دو نیم است دانهٔ گندم
که یکی خود خوری یکی مردم (مکتبی)

---

۱. *الکافی*، ج۴، ص۲۶۵.
۲. *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، ص۸۴.
۳. *تصنیف غُرَرُالحِکم و دُرَرُالکَلِم*، ح ۹۶۳۴

سخن مناسب

امام حسین علیه‌السلام به عبدالله بن عباس فرمود: يَا ابْنَ عَبَّاسٍ لَا تَكَلَّمَنَّ فِيمَا لَا يَعْنِيكَ فَإِنَّنِي أَخَافُ عَلَيْكَ فِيهِ الْوِزْرَ وَلَا تَكَلَّمَنَّ فِيمَا يَعْنِيكَ حَتَّى تَرَى لِلْكَلَامِ مَوْضِعاً فَرُبَّ مُتَكَلِّمٍ قَدْ تَكَلَّمَ بِالْحَقِّ فَعِيبَ لَا تُمَارِيَنَّ حَلِيماً وَلَا سَفِيهاً فَإِنَّ الْحَلِيمَ يَقْلِيكَ وَالسَّفِيهَ يُرْدِيكَ؛ «ای پسر عباس سخنی مگوی که به تو مربوط نیست؛ زیرا از پیامد سنگین آن بر تو نگرانم و نیز سخنی را که به تو مربوط می‌شود جُز در جای مناسبش مگو؛ زیرا چه بسا گوینده‌ای که حق را نابجا گفت و رسوا شد. و با بردبار و گستاخ یک و دو مکن؛ زیرا بردبار [نفرت یافته] از تو جدا می‌شود و گستاخ تو را، پست می‌سازد».[1]

به تعبیر مثل معروف «حَرف را باید هفت بار در دهان چرخاند».[2]

نظر کردم به چشم و رأی تدبیر ندیدم به[3] زِ خاموشی خصالی
نگویم لب ببند و دیده بر دوز و لیکن هر مقالی را مقالی[4] (سعدی)

آنچه پسندی

امام حسین علیه‌السلام در ادامه حدیث خطاب به عبدالله بن عباس می‌فرمایند: لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ؛ «پشت سر برادر مؤمنت چیزی مگو مگر آنچه که می‌پسندی او پشت سرت از تو گوید».[5]

آنچه بر خود می‌پسندی، بر کسان آن را پسند
آنچه از خود چشم داری، آن ز مردم چشم دار (صائب)

اگر دوست دارید دیگران از شما به خوبی و نیکی یاد کنند، شما نیز آنان را به نیکی و خیر یاد کنید.

---

۱. *کنز الفوائد*، ج۲، ص۳۲.
۲. *دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی*، ص۴۱۳
۳. بهتر.
٤. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. (حافظ).
۵. *کنز الفوائد*، ج۲، ص۳۲.

امیر مؤمنان علیه‌السلام در بیانی شیوا می‌فرمایند: أَجْمِلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الثَّوَابِ؛ «زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید».[1]

آن گوی مرا که دوست داری
گر خَلق تو را همان بگویند (ناصرخسرو)

در ادامه حدیث امام علیه‌السلام می‌فرمایند: وَاعْمَلْ عَمَلَ رَجُلٍ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَأْخُوذٌ بِالْإِجْرَامِ مَجْزِيٌّ بِالْإِحْسَانِ؛ «و همانند بنده‌ای رفتار کن که می‌داند به گنهکاری خود گرفتار می‌شود و به نیک رفتاری خود پاداش می‌گیرد».[2]

رفتارت همانند کسی باشد که می‌داند و یقین دارد اگر گناه کند به عقاب آن گرفتار می‌شود و اگر کار نیک و شایسته انجام دهد به ثواب و پاداش آن می‌رسد.

دوستان چهار دسته‌اند

امام حسین علیه‌السلام در سخنی گویا دوستان را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: الْإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ فَأَخٌ لَكَ وَلَهُ وَأَخٌ لَكَ وَأَخٌ عَلَيْكَ وَأَخٌ لَا لَكَ وَلَا لَهُ فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ علیه‌السلام الْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ وَلَهُ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ بَقَاءَ الْإِخَاءِ وَلَا يَطْلُبُ بِإِخَائِهِ مَوْتَ الْإِخَاءِ فَهَذَا لَكَ وَلَهُ لِأَنَّهُ إِذَا تَمَّ الْإِخَاءُ طَابَتْ حَيَاتُهُمَا جَمِيعاً وَإِذَا دَخَلَ الْإِخَاءُ فِي حَالِ التَّنَاقُضِ بَطَلَ جَمِيعاً وَالْأَخُ الَّذِي هُوَ لَكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي قَدْ خَرَجَ بِنَفْسِهِ عَنْ حَالِ الطَّمَعِ إِلَى حَالِ الرَّغْبَةِ فَلَمْ يَطْمَعْ فِي الدُّنْيَا إِذَا رَغِبَ فِي الْإِخَاءِ فَهَذَا مُوَفِّرٌ عَلَيْكَ بِكُلِّيَّتِهِ وَالْأَخُ الَّذِي هُوَ عَلَيْكَ فَهُوَ الْأَخُ الَّذِي يَتَرَبَّصُ بِكَ الدَّوَائِرَ وَيُغَشِّي [يُفْشِي] السَّرَائِرَ وَيَكْذِبُ عَلَيْكَ بَيْنَ الْعَشَائِرِ وَيَنْظُرُ فِي وَجْهِكَ نَظَرَ الْحَاسِدِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ الْوَاحِدِ وَالْأَخُ الَّذِي لَا لَكَ وَلَا لَهُ فَهُوَ الَّذِي قَدْ مَلَأَهُ اللَّهُ حُمْقاً فَأَبْعَدَهُ سُحْقاً فَتَرَاهُ يُؤْثِرُ نَفْسَهُ عَلَيْكَ وَيَطْلُبُ شُحّاً مَا لَدَيْكَ؛ «برادران چهار دسته‌اند، برادری که به سود تو و خود اوست، و برادری که به سود توست و برادری که به ضرر توست، و برادری که نه به سود توست و نه بسود خودش. از او معنی این را پرسیدند فرمود: برادری که سودش

---

۱. *تصنیف غُرَرُالحِکَم و دُرَرُالکَلِم*، ح ۲۵۶۸
۲. *کنز الفوائد*، ج۲، ص۳۲.

نصیب تو و خودش می‌گردد، برادری است که هدفش از رفاقت، تداوم برادری است نه نابودی آن؛ پس این برادری به سود هر دوی شماست؛ زیرا هنگامی که برادری کامل شد زندگی برای هر دو دلپذیر و دوست داشتنی شود و اگر این برادری به ناسازگاری کشد، زندگی هر دو تباه گردد. **برادری** که فقط سودش نصیب تو می‌گردد، برادری است که طمع را از خود دور کرده و شیفته تو گشته؛ و چون شیفته برادری است به دنیا طمعی ندارد؛ پس چنین برادری همیشه برای تو مشکل‌گشا و سودمند است. **برادری** که فقط زیانش نصیب تو گردد، برادر نماست که همیشه منتظر گرفتار شدن توست و با تو یك دل و یك رنگ نیست و بین آشنایان بر تو دروغ می‌بندد و حسودانه بر تو می‌نگرد، پس لعنت خدای واحد بر چنین برادری باد! و اما **برادری** که نه سودش نصیب تو گردد و نه نصیب خودش، آن برادری است که خدا او را پر از حماقت ساخته و او را به کلی از رحمت خود دور کرده است، پس او را مشاهده کنی که خود را بر تو ترجیح دهد و از آن چه نزد توست با تنگ چشمی دنبال آن است»[1]

من از شیعیانم

قَالَ رَجُلٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهماالسلام : يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمْ. قَالَ علیه‌السلام : اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَدَّعِيَنَّ شَيْئاً يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ: كَذَبْتَ وَ فَجَرْتَ فِي دَعْوَاكَ. إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَغِلٍّ وَدَغَلٍ وَلَكِنْ قُلْ: أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمْ وَ [مِنْ] مُحِبِّيكُمْ؛ «مردی به امام حسین علیه‌السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، من از شیعیان شماییم. آن حضرت علیه‌السلام فرمود: از خدا بترس و چیزی را ادعا مکن که خدا بگوید: در ادعای خود دروغ گفتی و گناه کردی؛ زیرا **شیعیان ما کسانی‌اند که دل‌هایشان از هر گونه مکر و فریب و کینه پنهان، پاک باشد**؛ بلکه **بگو: من از دوستداران و علاقمندان شمایم**».[2]

---

۱. *تحف العقول*، ص ۲۴۷.
۲. *مجموعهٔ ورام*، ج ۲، ص ۱۰۶.

شـیعه و پیرو حقیقی به زبان نیسـت، بلکه به عمل و کردار صحیح اسـت. و تنها منحصر به کارهای نیک نیسـت، بلکه باید از کارهای ناشایسـت و ناپسـند نیز دوری کرد.

در این راستا امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَآثَارِنَا وَلَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ وَاتَّبَعَ آثَارَنَا وَعَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أُولَئِكَ شِيعَتُنَا؛ «کسی که با زبان مدّعی پیروی از ماست و در عمل و نحوه زندگی با ما مخالفت می‌کند، شـیعه ما نیسـت. شیعه ما کسـی است که با زبان و دل با ما همراه اسـت و دنبـال ما حرکت می‌کند و در عمل از مـا پیروی می‌نماید. آنان پیروان راستین ما هستند».[1]

دانشمند کیست؟

امام حسـین علیه‌السلام در تعریف شخص دانا و دانشـمند چنین می‌فرمایند: لو أنَّ العالِمَ كُلَّما قالَ أحسَنَ وأصابَ، لأوشَكَ أن يُجَنَّ مِنَ العُجبِ، وإنَّما العالِمَ مَن يَكثُرُ صَوابُهُ؛ «اگر همه گفته‌های عالِم، نیکو و درسـت بود، ممکن بود که از خودبینی دیوانه شود؛ بلکه همانا عالم، کسی است که **گفته‌های درستش فراوان باشد**».[2]

همچنین در سـخنی شـیوا نشانهٔ دانشـمند بودن را چنین بیان می‌کنند: مِنْ دَلَائِلِ الْعَالِمِ انْتِقَادُهُ لِحَدِيثِهِ وَعِلْمُهُ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظَرِ؛ «از نشـانه‌های دانشـمند، **نقد کردن گفته خود** و آگاهی به حقائق فن‌های مناظره است».[3]

---

۱. *وسائل الشیعه*، ج۱۵، ص۲۴۷.
۲. *محاضرات الأدباء*، ج۱، ص۵۰.
۳. *تحف العقول*، ص۲۴۸.

مرگ یعنی خوشبختی

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَماً؛ «من مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز ملامت نمی‌بینم».[1]

به عبارتی دیگر: مرگ سرخ بهتر از زندگی سیاه است.

دین زبانی

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعْقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ[2] يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ؛ «به راستی مردم دنیاپرستند و دین [فقط] بر سر زبان ایشان است، آن را تا آنجا که دستمایه تأمین زندگی ایشان است بچرخانند و چون به آزمونی گرفتار آیند دینداران [راستین] اندک‌اند»[3]

گاهی اوقات گرفتار این ضرب‌المثل مشهور می‌شویم «تا پول داری رفیقتم، قربون بند کیفتم». دین و احکام آن را تا زمانی که به مال و ثروت و جاه و مقام ما آسیبی نرساند دوست داریم و سخن از دین‌داری می‌زنیم. و یا تا زمانی که بتوانیم به وسیله دین کسب رزق و روزی و... داشته باشیم دین‌دار هستیم، اما اگر مقداری روزگار به ما روی خوش نشان ندهد و یا نیاز باشد هزینهٔ واجبی (خمس، زکات و...) را پرداخت کنیم، از دیانت ما نیز کاسته می‌شود؛ چرا که دین را از روی اخلاص و بصیرت نپذیرفتیم. همانند نامه‌های (فدایت شوم) زیادی که به امام حسین علیه‌السلام نوشته شد و لکن همین‌که (هوا ابری شد) و جان و مال خود را در خطر دیدند، دست از امام و رهبر خویش برداشتند و وی را تنها گذاشتند.

---

۱. *تحف العقول*، ص۲۴۵.

۲. در پاره‌ای نسخه‌ها به جای «لعق علی السنتهم»، [لغو علی السنتهم .بیهوده‌ای برزبانشان] آمده است.

۳. *تحف العقول*، ص۲۴۵.

خورش سگان

امام حسین علیه‌السلام در نکوهش غیبت می‌فرمایند: لِرَجُلٍ اغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا يَا هَذَا كُفَّ عَنِ الْغِيبَةِ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ؛ «به مردی که در حضور او از فردی غیبت می‌کرد فرمود: ای فلان! از غیبت کردن **دست بردار** که غیبت خورش سگ‌های دوزخ است».[1]

بُوَد غیبتِ خلق، مُردار خوردن
از این لقمه کُن پاک، کام و دهن را[2] (صائب)

در فقه غیبت را چنین تعریف کرده‌اند: غیبت آن ذکر عیبِ مَستُور و پوشیده مؤمن، در غیاب اوست، چه آن عیب را به گفتار بیان کند، یا به رفتار بفهماند، هر چند در اظهار عیب مؤمن قصد اهانت و هتک حیثیت نداشته باشد، و اگر به قصد اهانت، عیب مؤمن را اظهار نماید، دو گناه مرتکب شده است. و مرتکب غیبت باید توبه کند، و بنابر احتیاط واجب از کسی که غیبت او را کرده، حلیّت بطلبد، مگر آنکه حلیّت طلبیدن موجب مفسده‌ای شود.

در مواردی غیبت جایز است:

۱. متجاهر به فسق، یعنی کسی که آشکارا و علنی گناه می‌کند، که عیب کردن از او در همان گناه جایز است؛

۲. غیبت کردن مظلوم از ظالمی که بر او ظلم کرده، نسبت به آن ظلم؛

۳. در مورد مشورت، که اظهار عیب به قصد نصیحت مشورت کننده، در حدی که نصیحت محقق شود، جایز است؛

---

۱. همان، ص۲۴۵.

۲. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلا تَجَسَّسُوا وَلا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ تَوَّابٌ رَحيم؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گناهان بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است، و هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید، و هیچ کس از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مردهٔ خود را بخورد؟ [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!» (حجرات، ۱۲).

۴. غیبت بدعت‌گذار در دین، و کسی که موجب گمراهی مردم می‌شود؛

۵. غیبت برای اظهار فسق شاهد، یعنی اگر کسی که شهادت می‌دهد فاسق است، غیبت او به اظهار فسق او، برای آنکه به شهادت او حقی ضایع نشود، جایز است؛

۶. غیبت کردن از شخصی برای دفع ضرر از جان یا عِرض[1] یا مال آن شخص؛

۷. غیبت کردن از گناه‌کار به قصد بازداشتن او از گناه، در صورتی که به غیر آن، بازداشتن او ممکن نباشد.[2]

کدام عبادت؟

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: إِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْماً عَبَدُوا اللَّهَ شُكْراً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ «برخی خدا را به شوق [بهشت] پرستند، این پرستش بازرگانان و سوداگران است، و گروهی خدا را از ترس پرستند، این پرستش بردگان است، و گروهی خدا را از روی سپاس‌گزاری پرستند که این پرستش آزادگان و برترین نوع پرستش است».[3]

عبادت خداوند دارای مراتب است و همگی مورد توجه و عنایت خداست و پروردگار عالم نیز به هر کدام ثواب و حسنه می‌دهد. و لکن آن عبادتی برتر است که از روی سپاس‌گزاری باشد.

معذرت می‌خواهم

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: إِيَّاكَ وَمَا تَعْتَذِرُ مِنْهُ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَلَا يَعْتَذِرُ وَالْمُنَافِقُ كُلَّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَيَعْتَذِرُ؛ «از آنچه موجب پوزش‌خواهی شود بپرهیز؛ زیرا مؤمن نه بد کند و نه پوزش خواهد و منافق هر روز بد کند و [هر دَم] پوزش خواهد».[4]

---

۱. آبرو.

۲. *توضیح المسائل* (آیت‌الله وحید)، ص۳۶۸. (احکام امر به معروف و نهی از منکر).

۳. *تحف العقول*، ص۲۴۵.

۴. همان، ص۲۴۷.

شایسته است انسان قدرت عذرخواهی کردن و ظرفیت عذرپذیری داشته باشد؛ چرا که هر انسانی ممکن است دچار غفلت و اشتباه شود. و لکن بهتر است کاری که نیاز به پوزش دارد انجام ندهد تا از عزت و وقار شخص نکاهد. اگر گفتار و رفتار آدمی پسندیده و نیکو باشد نیازی به عذرخواهی پیش نمی‌آید. و لکن کسانی که راه شک و تردید را می‌پیمایند دچار لغزش‌های فراوانی می‌شوند که در نتیجه می‌بایست از هر کاری معذرت بخواهند. و البته پذیرش عذر نیز از کرامت و بزرگی شخص خبر می‌دهد و امری پسندیده است؛ چرا که ممکن است روزی هم خودمان دچار لغزش شویم.

اگر پوزش نکو باشد ز کِهتر[1]

نکوتر باشد آمرزش ز مِهتر[2] (اسعد گرگانی)

سلام

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعٌ وَسِتُّونَ لِلْمُبْتَدِئِ وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ؛ «سلام، هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه آن برای سلام کننده است و یك حسنه از آن پاسخ دهنده سلام».[3]

سید شهیدان در سخنی دیگر بخیل را چنین تعریف می‌کنند: الْبَخِيلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ؛ «بخیل کسی است که در سلام کردن بُخل ورزد».[4]

همچنین در اهمیت سلام می‌فرمایند: قَالَ لَهُ [للحسین علیه‌السلام] رَجُلٌ ابْتِدَاءً كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ فَقَالَ علیه‌السلام لَهُ السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ عَافَاكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ علیه‌السلام لَا تَأْذَنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ؛ «مردی در آغاز سخن به امام حسین علیه‌السلام گفت: چگونه‌ای، خدایت عافیت دهد؟! امام علیه‌السلام به او فرمود: **سلام قبل از کلام** است، خدایت عافیت دهد! سپس فرمود: به کسی اجازهٔ [سخن گفتن] ندهید تا آنکه سلام دهد».[5]

---

۱. کوچک‌تر.
۲. بزرگ‌تر.
۳. *تحف العقول*، ص۲۴۷.
٤. همان، ص۲۴۸.
۵. همان، ص۲۴۶.

چند احکام «سلام»

۱. سلام کردن مستحب است و در اخبار سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچک‌تر به بزرگ‌تر سلام کند. و **جواب** سلام **واجب** است؛

۲. در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید، مثلاً اگر کسی گفت «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم و رحمة الله»؛

۳. اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند، بنابر احیاط باید هر یک جواب سلام دیگری را بدهد؛

۴. اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنها جواب دهد کافی است؛

۵. در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید همان طور که او سلام کرده جواب دهد، مثلاً اگر گفته «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم».[1]

موعظه با دو حرف

كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْحُسَيْنِ علیه‌السلام عِظْنِي بِحَرْفَيْنِ[2] فَكَتَبَ إِلَيْه مَنْ حَاوَلَ أَمْراً بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتَ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُ؛ «مردی به امام حسین علیه‌السلام نوشت مرا با دو حرف پند بده. امام علیه‌السلام در پاسخ نوشت: هر که با گناه کردن چیزی را به دست آورد، به آنچه امید بسته به سرعت از دست برود و از آنچه گریزان است در چنگ او گرفتار آید».[3]

گاهی افرادی قصد دارند از راه گناه و نافرمانی به هدفشان برسند در حالی که به ضد آن گرفتار می‌شوند و به هدفشان نمی‌رسد. و گاهی هم به مقصد می‌رسد و لکن مقصدی که فقط سراب است و دوام و آرامشی در پی نخواهد داشت.

---

۱. توضیح بیشتر در *توضیح المسائل*، بخش مبطلات نماز.

۲. «بحرفين» أي بجملتين وما ذكره علیه‌السلام مع العطف في حكم جملتين، ويحتمل أن يكون الحرفان كناية عن الاختصار في الكلام؛ منظور از «دو حرف» دوجمله است که امام علیه‌السلام با حرف عطف «واو» بیان کرده‌اند و یا کنایه از کوتاه بودن کلام و پند و اندرز است (*مرآة العقول*، ج۱۱، ص۶۹).

۳. *الکافی*، ج۲، ص۳۷۳.

فردی که برای پست و مقام و یا کسب رزق و روزی به هر کار اشتباهی چنگ می‌زند تا به آن برسد، بالاخره روزی همین مقام و ثروتش زندگی او را به ناآرامی، تباهی و گرفتاری تبدیل می‌کند.

کلید مدارا

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: مَنْ أَعْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَعَيِيَتْ بِهِ الْحِيَلُ كَانَ الرِّفْقُ مِفْتَاحَه؛ «هر کس در کاری ماند و از چاره‌جویی درماند، مدارا کلید [کار] اوست»[1]

به شیرین زبانی و لطف و خوشی
توانی که پیلی به مویی کِشی (سعدی)

گاهی اوقات مسائلی برای انسان پیش می‌آید که منشأ بیرونی دارند و آدمی توان حل آن را به سادگی ندارد. و هر آنچه که شخص در برطرف کردن آن مسائل تلاش کند به غم و غصه خود می‌افزاید. ازاین‌رو شایسته است با مسائل کنار بیایید و با کلید مدارا و نرم‌خویی و صبر، قفل مشکلات را باز کند.

قناعت و سلامتی

امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند: الْقُنُوعَ رَاحَةَ الْأَبْدَانِ؛ قناعت، [مایه] آسودگی بدن‌هاست».[2]

عزت زِ قناعت است و خواری ز طمع
با عزت خود بساز و خواری مَطَلب[3]

بین قناعت و آسایش رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ است. افرادی که به حد خود قانع هستند و «پای خود را از گلیم خویش درازتر نمی‌کنند» از آرامش روحی و جسمی ویژه‌ای برخوردارند. در مقابل کسانی که به زندگی خود قانع نباشند دائم اضطراب و دلواپسی دارند و همیشه از روزگار نالان هستند و غافل از آنکه آسایش و راحتی جسم و روح در قناعت است.

---

۱. *أعلام الدین*، ص۲۹۸.
۲. *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، ص۸۸، ح۲۸.
۳. *دوازده هزار ضرب‌المثل فارسی*، ص ۷۱۸.

احکام زیارت

احکام زیارت

۱. آیا با غسل زیارت حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام می‌توان نماز خواند؟

آیات عظام امام رحمه‌الله، بهجت، خامنه‌ای، صافی و فاضل: خیر، تنها با غسل جنابت می‌توان نماز خواند؛ ولی با غسل‌های دیگر مانند غسل زیارت باید وضو هم گرفت.

آیت‌الله مکارم: با همه غسل‌های واجب و مستحب معتبر[1] می‌توان نماز خواند و گرفتن وضو واجب نیست. اما احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت (مانند غسل زیارت) وضو هم بگیرد.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، نوری، وحید: با همه غسل‌های واجب و مستحب معتبر.غیر از غسل استحاضه متوسط .می‌توان نماز خواند؛ اگرچه احتیاط مستحب[2] آن است که در غیر غسل جنابت، (مانند غسل زیارت) وضو هم بگیرد.

۲. نماز زیارت را به چه نیت بخوانیم؟

پس از زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام و حضرت ابوالفضل، مستحب است

---

۱. غسل‌های مستحب معتبر مانند: غسل جمعه، شب‌های قدر، عید فطر و قربان، إحرام، دخول حرم و مکه، دخول مدینه و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، زیارت سیدالشهداء علیه‌السلام.

۲. در احتیاط واجب، مقلد بین عمل به احتیاط مرجع خود و رجوع به نظر مرجعی دیگر، اختیار دارد؛ اما در احتیاط مستحب، مقلد، بین عمل به احتیاط مستحب و فتوای همراه آن، اختیار دارد .کلمات «اقرب و اقوی» به معنای فتوا است که مقلّد در آن حق رجوع به مجتهد دیگر را ندارد، بلکه باید به رأی همان مجتهد عمل نماید.

دو رکعت به نیت «نماز زیارت» خوانده شود؛ یعنی نیت کنیم «نماز زیارت فلان امام می‌خوانم "قربة الی الله"». اما برای سایر امام زادگان می‌توان دو رکعت نماز مستحبی به نیت «قربة الی الله» خوانده شود و ثواب آن را به روح آن بزرگان هدیه کرد.[1]

۳. اگر خواسته باشیم به نیابت از دیگران زیارت و نماز زیارت بخوانیم چگونه باید نیت کنیم؟

زیارت و نمازهای مستحبی و نماز زیارت را می‌توان به نیابت از یک یا چندین نفر زنده و مرده خواند.

یعنی نیت کنیم: «نماز زیارت می‌خوانیم به نیابت از کسانی که در نظر دارم "قربة الی الله"» که در صورت نیابت، لازم است افراد معین باشند و می‌توانیم پس از اینکه زیارت و نماز زیارت را خواندیم ثواب آن را هدیه کنیم به تمام کسانی که در نظر داریم و در این صورت می‌تواند افراد نامحدود باشد.[2]

۴. تصرف در اموال حرم مثل نوشتن بر روی کتاب‌ها و دیوارهای حرم‌های مطهر چه حکمی دارد؟

استفاده از وسائل و اموالی که وقف حرم‌های مطهر شده‌اند. باید در همان جهت وقف باشد و هر گونه تصرفی که در جهت وقف نباشد، مانند نوشتن در کتاب‌های حرم (که برای خواندن دعا و مناجات وقف شده) جایز نیست.

نکته: خواب حجت شرعی نیست و مطالبی که بعضی از افراد در پشت کتاب‌های حرم می‌نویسند که هر شخصی این مطلب را خواند باید در چند کتاب بنویسد، اگر ننویسد بلا و مصیبتی خواهد دید. این نوشته‌ها جعلی و بی‌اساس است و اعتباری ندارد و نباید به آنها توجه کرد و همچنین عمل به آن لازم نیست.[3]

---

۱. *عروة الوثقی*، ج۱، فصل فی صلاة الاستیجار (به نقل از *آداب و احکام زیارت*، ص۱۲۱).
۲. *توضیح المسائل مراجع*، مسئله ۱۵۳۴-۱۵۳۶.
۳. *پرسش و پاسخ‌های دانشجویی آداب و احکام زیارت*، ص۱۲۸.

۵. استفاده کردن از برق حرم‌های مطهر برای شارژ کردن موبایل و تبلت چه حکمی دارد؟

برق اگر مختص مسجد و حرم‌های مطهر است، استفاده از آن اشکال دارد. اما اگر برای زائران و نمازگزاران گذاشته شده که مثلاً تلفن همراه خود را شارژ نمایند، استفاده از آن در حد معمول اشکال ندارد.

۶. خوابیدن در مساجد و حرم‌های مطهر چه حکمی دارد؟

خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار باشد، مکروه است. همچنین خوابیدن در آن قسمت از حرم‌های مطهر که مسجد است همین حکم را دارد. ولی خوابیدن در جاهایی از حرم که مسجد نیست، اشکال ندارد. ولی بهتر است از خوابیدن در کنار مضجع شریف پرهیز شود.

۷. در بعضی از حرم‌های مطهر برای زائرین پلاستیکی گذاشته می‌شود تا کفش خود را در آن بگذارند و به زیارت بروند، آیا می‌توان این پلاستیک را با خود از حرم بیرون برد و از آن استفاده کرد؟

استفاده از وسائل که وقف حرم شده است یا از درآمدهای حرم برای استفاده زائرین در حرم خریده شده، باید در همان جهت و در حرم استفاده شود و بیرون بردن آنها از حرم‌های مطهر جایز نیست.

۸. اگر مُهر حرمی را اشتباه با خود بیاوریم، آیا می‌توان آن را به حرم دیگر برد و آنجا از آن استفاده کرد؟

اگر می‌داند برای خصوص آن حرم وقف شده باشد باید به آنجا برگرداند و در صورت شک نیز حکم همین است، اما اگر وقف آن حرم نباشد بلکه برای نماز خواندن وقف شده مشکلی ندارد.

نکته: برای برگرداندن لازم نیست خود شخص آن را برگرداند بلکه می‌تواند آن را به وسیله مسافر یا پست برگرداند.

۹. در صورتی که وسایل حرم‌های مطهر را اشتباهی آورده باشیم. آیا اجازه داریم از آنها استفاده کنیم؟ وظیفه ما نسبت به آنها چیست؟

اگر وسایل وقف حرم‌های مطهر باشد، خارج کردن وسایل حرم‌های مطهر و استفاده در غیر وقف جایز نیست و باید آنها را برگرداند.

۱۰. حکم رفتن زن حائض (پریود) به حرم امامان علیهم‌السلام چیست؟

عبور از حرم مطهر امام معصوم برای زن حائض اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط واجب نباید در آنجا توقف کند.

آیت‌الله بهجت: جایز نیست زن حائض به حرم امام معصوم وارد شود (هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود).

آیت‌الله صافی: احتیاط واجب آن است که زن حائض به حرم امام معصوم وارد نشود (هر چند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود).

آیت‌الله وحید: توقف در حرم امام معصوم برای زن حائض جایز نیست و احتیاط واجب آن است که از یک در وارد و از در دیگر خارج شود.

نکته: مقصود از حرم امام علیه‌السلام که توقف زن حائض در آنجا ممنوع است، همان محدوده‌ای است که ضریح امام علیه‌السلام در آنجا قرار دارد. بنابراین حیاط و صحن و رواق‌های اطراف حرم را شامل نمی‌شود.[1]

۱۱. استخاره در چه مواردی است و آیا عمل مطابق آن واجب است؟[2]

آیت‌الله سیستانی: جای استخاره مواقع تحیّر است که انسان راهی برای تشخیص مصلحت نداشته باشد و عمل به آن واجب نیست.

آیت‌الله مکارم: استخاره در مواردی است که انسان با تفکر و مشورت به نتیجه‌ای نمی‌رسد که در این موارد استخاره می‌کند و عمل بر طبق آن واجب نیست، ولی بی‌جهت نباید مخالفت کند.

---

۱. *احکام و آداب زیارت*، ص۱۳۶.

۲. *مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع*، ج۴، ص۱۶۱.

۱۲. در مساجد یا اماکن عمومی کفش‌ها جابجا می‌شود، استفاده از کفش به جا مانده چه حکمی دارد؟[1]

آیت‌الله خامنه‌ای: در فرض سؤال اگر علم به رضایت صاحب کفش و یا علم به اینکه کفش به جا مانده از کسی که کفش گم شده را برده است باشد، استفاده اشکال ندارد.

آیت‌الله مکارم: در صورتی که یقین به رضایت صاحبان آنها داشته باشید اشکال ندارد، در غیر این صورت اگر کفشی را که برده‌اند قیمتش مساوی یا بیشتر از کفشی باشد که به جا گذارده‌اند، می‌توان به عنوان تقاص برداشت و اگر کفش به جا مانده قیمتش بیشتر باشد باید معادل مقدار اضافی را به شخص فقیری پرداخت کرد.

۱۳. اگر در مسافرت نیاز به غسل شود و دسترسی به آب نباشد، تکلیف نماز چیست؟

اگر وقت نماز تا رسیدن به مقصد تمام نمی‌شود باید صبر کند و در غیر این صورت، اگر در بین راه دسترسی به آب نداشته باشد باید به جای غسل، تیمم کند و بعد از آب‌کشی محل نجس بدن و تعویض لباس نجس، نماز بخواند و اگر با بدن و لباس نجس نماز خواند، باید اعاده یا قضا کند.

۱۴. سجده در برابر حرم ائمه علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟

آیت‌الله خامنه‌ای: سجده کردن در برابر حرم ائمه علیهم‌السلام، اگر به نیت شکرگزاری باشد اشکال ندارد و اگر به قصد خضوع در برابر آن ذوات مقدسه باشد، حرام است.

آیت‌الله مکارم: جایز نیست.

آیت‌الله سیستانی: به عنوان سجده شکر مانعی ندارد.

---

۱. همان، ج۳، ص۱۴۰.

۱۵. آیا تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد دارند؟

خیر، تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد ندارند.

۱۶. در دعای کمیل آیه ﴿أَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُون﴾[1] **و در دعای ندبه** ﴿فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى﴾[2] **وجود دارد این آیه از سوره‌ای است که سجده واجب دارد آیا زن حائض می‌تواند این فراز دعای کمیل را بخواند؟**

آیات عظام امام رحمه‌الله، بهجت، فاضل و نوری: خواندن دعای کمیل و ندبه برای زن حائض اشکال ندارد، ولی باید آیات یاد شده را بر زبان جاری نکند.

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی و مکارم: خواندن دعای کمیل و ندبه و نیز آیات یاد شده و غیر آیات سوره‌های سجده‌دار برای زن حائض اشکال ندارد؛ بلکه فقط خواندن آیهٔ سجده‌دار برای حائض حرام است.

آیت‌الله وحید: خواند دعای کمیل برای زن حائض اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب آیات یاد شده را بر زبان جاری نکند.

نکته: آیه یاد شده آیه ۱۸ از سورهٔ سجده است و آیه‌ای که سجده دارد، آیه ۱۵ از این سوره است.

۱۷. از آیت‌الله بهجت سؤال شد، گفته می‌شود هر کس در سفر اول زیارت حضرت رضا علیه‌السلام حاجتی داشته باشد، حضرت آن حاجت را برآورده می‌کند. آیا این درست است؟

ایشان فرمود: چنین معروف است، ولی در هر سفر، بلکه در همه جا و همیشه، آن حضرت حوایج را برآورده می‌کند، بلکه امام زاده‌ها نیزسُفرهای رحمتند و چه بسا نسخه شفابخش دردهای ظاهری و باطنی ما در دست یکی ازآنهاست.[3]

---

۱. سجده، ۱۸

۲. نجم، ۹.

۳. *۶۰۰ نکته از محضر بهجت*، ج۲، ص۲۷۷.

۱۸. اگر دستمان به ضریح نرسد، آیا زیارتمان قبول است؟

مهم، حضور خالصانه زائر است و رساندن دست، تنها یکی ازآداب زیارت است، نه دلیل قبولی زیارت.[۱]

۱۹. آیا پولی که جهت زیارت و مسافرت کنار گذاشته می‌شود خمس دارد؟

اگر قبل از پایان سال مصرف شود خمس ندارد، اما اگر با این پول سال دیگر به زیارت برود خمس دارد.[۲]

۲۰. نجس کردن حرم ائمه علیهم‌السلام حرام و تطهیر جایی که نجس شده است واجب است.[۳]

۲۱. در حال نماز، سجده بر تربت امام حسین علیه‌السلام مستحب است و سبب افزایش ثواب نماز می‌شود. و خوردن هر نوع خاک حرام است به جز تربت حسینی که خوردن اندکی از آن به نیت شفا گرفتن جایز است.[۴]

هزاران درود و هزاران سلام
ز ما بر محمد علیه السلام (اسدی طوسی)

---

۱. *آداب و احکام زیارت*، ص۸۶.
۲. *توضیح المسائل مراجع*، م۱۷۵۲.
۳. همان، م۹۰۴.
٤. همان، م۱۰۸۳ و ۲۶۲۸.

کتابنامه

کتاب‌نامه

■ آقا قاضی، سیدعلی، *کیمیای وصل، سیری در معارف زیارت عاشورا*، تراث، تهران، ۱۳۹۴.

■ اکبری، محمود، *آداب و احکام زیارت*، فتیان، قم، ۱۳۹۶.

■ بهمانی، علی‌رضا، *فلسفه و آداب زیارت اربعین*، تمدن نوین، قم، ۱۳۹۷.

■ *پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی* (آداب واحکام زیارت)، گروه اخلاق و عرفان، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۴.

■ *توضیح المسائل مراجع*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.

■ حیدری ابهری، غلامرضا، *زیارت عاشورا در نگاهی دیگر*، نشر جمال، قم، ۱۳۸۷.

■ فتاح، سیدحمید، *شرحی نوین بر زیارت عاشورا*، انتشارات میرفتاح، قم، ۱۳۸۹.

■ محمدی ری شهری، محمد، *دانشنامهٔ امام حسین* علیه‌السلام، مترجم: عبدالهادی مسعودی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۸.

■ محمودی، سیدمحسن، *مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع*، انتشارات علمی فرهنگی صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قم، ۱۳۸۱.

■ مصباح یزدی، محمدتقی، *سجاده‌های سلوک، شرح مناجات‌های حضرت سجاد* علیه‌السلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله، قم، ۱۳۹۰.

■ مکارم شیرازی، ناصر، *پرتوی از زیارت جامعه کبیره*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.